

# بهشت برادری، دوزخ بی تفاوتی

فرازهایی از سخنان امام صادق (ع)

□ امام صادق(ع): خدای عزوجل فرموده است: مردم خانواده‌ی منند؛ پس محبوب‌ترین آن‌ها نزد من کسی است که با آنان مهربان‌تر و در راه برآوردن نیازهایشان کوشاتر باشد. (میزان‌الحکمه، ص ۹۵۳)

□ بدانید که محبوب‌ترین مؤمنان نزد خدا کسی است که مؤمن تهیدستی را از ناداری نجات دهد و در امور مادی و زندگی‌اش به او یاری رساند، و کسی که [عموم] مؤمنان را کمک کند و سود رساند و ناراحتی آن‌ها را برطرف سازد. (میزان‌الحکمه، ص ۹۵۱)

□ امام صادق(ع)، در بیان حقوق مؤمن بر مؤمن فرمود: کمترین این حقوق آن است که برای او همان چیزی را دوست داشته باشی که برای خود دوست داری و بر او نپسندی آنچه را بر خود نمی‌پسندی. (میزان‌الحکمه، ص ۱۲۴۹)

□ امام صادق(ع)، در پاسخ به سؤال از کمترین حق مؤمن بر برادرش فرمود: آنچه را که او بدان نیازمندتر است به خود اختصاص ندهد. (میزان‌الحکمه، ص ۱۲۴۹)

□ مسلمانان باید که در رفت و آمد با هم، و احسان کردن به هم، و مواسات<sup>۱</sup> با نیازمندان، و مهربان بودن با یکدیگر تلاش کنند، تا چنان باشند که خدای بزرگ به شما فرمان داده است: «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (مؤمنان با یکدیگر مهربانند) [سوره‌ی فتح، ۲۹]. با مهربانی با هم زندگی کنید، و ناراحت و نگران باشید از اینکه از نیازمندی و گرفتاری دیگران مطلع نشوید، چنانکه «انصار» در روزگار رسول خدا(ص) چنین بودند. (الحیة، ج ۵، ص ۱۴۰)

□ خداوند عزوجل در داری‌های توانگران به جز زکات [مرسوم]، حقوقی دیگر واجب و مقرر کرده و فرموده است: «و آنان که در اموالشان حقی است معین،

<sup>۱</sup> مواسات به معنای شریک کردن دیگران در معاش و روزی خود و نیز همدردی و همیاری در سختی‌ها و مشکلات است.

□ ستمگر، کمک‌کننده‌ی به او و کسی که به کار او راضی است، هر سه [در ظلم] شریک یکدیگرند. (الحیة، ج ۸، ص ۱۸۰)

□ هیچ مؤمنی مؤمن ستمیده‌ای را یاری نرساند، مگر آن که این کار او برتر از یک ماه روزه و اعتکاف در مسجدالحرام باشد، و هیچ مؤمنی نیست که برادر خود را یاری رساند و یاری‌اش دهد، مگر این که خداوند در دنیا و آخرت او را یاری کند و هیچ مؤمنی نیست که بتواند برادرش را یاری دهد اما تنها و بی‌یاورش گذارد، مگر این که خداوند در دنیا و آخرت او را تنها و بی‌یاور گذارد. (میزان‌الحکمه، ج ۷، ص ۳۳۸۵)

□ برای خود چیزی فراهم آر! در تندرستی پیش از بیماری، و در نیرومندی پیش از ناتوانی، و در زندگی پیش از رسیدن مرگ. (الحیة، ج ۷، ص ۲۱۴)

□ امام صادق(ع): پدرم می‌فرمود: هرگاه آهنگ کار خوبی کردی، بشتاب؛ زیرا نمی‌دانی که چه پیش خواهد آمد. (میزان‌الحکمه، ج ۷، ص ۳۴۸۷)

□ مثل دنیا همچون مثل آب دریاست، که هر چه شخص تشنه از آن بیشتر بیاشامد تشنگی او فزون‌تر شود، تا سرانجام تشنگی او را هلاک کند. (الحیة، ج ۳، ص ۵۶۳)

□ [از دعای آن حضرت در روز عرفه:] خدایا! به تو پناه می‌برم از دنیایی که از خیر آخرت جلوگیری کند و از زندگانی‌ای که بهترین مردن را باز دارد و از آرزویی که مانع بهترین کار شود. (میزان‌الحکمه، ص ۱۸۷)

□ بدانید که میان خدا و بندگانش جز طاعت او هیچ واسطه‌ای نیست؛ نه فرشته‌ای مقرب، نه پیامبری مرسل، و نه هیچ کس دیگر. پس در کار طاعت او بکوشید. (میزان‌الحکمه، ص ۸۶۱)

□ ابن ابی یعفور گوید: ... از امام صادق (ع) پرسیدم: آنجا که خداوند گفته است: « و کسانی که کفر ورزیده‌اند، سرورانشان طاغوتند، که آنان را از روشنایی به سوی تاریکی‌ها به در می‌برند. آنان اهل آتشند که خود، در آن جاودانند» [سوره بقره، ۲۵۷] آیا مقصودش کفار نیست؟ فرمود: کافر چه نوری می‌تواند داشته باشد تا از آن به تاریکی‌ها بیرون شود؟ بلکه مقصود خدا آن است که ایشان بر نور اسلام بودند و چون دوست‌دار و پیرو هر پیشوای ستمگری شدند که خدا آن را تعیین نکرده بود، از نور اسلام به ظلمات کفر درآمدند. پس همراه با کفار شایسته‌ی آتش شدند و به همین جهت خداوند گفته است: «آنان اهل آتشند و جاودانه در آن خواهند ماند». (الحیة، ج ۲، ص ۶۵۹)

□ [در روزگاران فاسد]، مردم را می‌بینی که با هر که قدرت و غلبه دارد همراه می‌شوند، و مردم و گرد هم آمدن‌ها را می‌بینی که جز به پیروی از اغنیا و ثروتمندان نیستند، و جز به سود آنها گام بر نمی‌دارند. (الحیة، ج ۹، ص ۵۳۸)

□ امام صادق (ع) در پاسخ به سؤال ابوبصیر از آیه‌ی «[یهود]، علما و راهبان خود را به جای خدا، خداوندگاران خود گرفتند» [سوره توبه، ۳۱]، فرمود: «به خدا سوگند علما و راهبان یهود آنان را به عبادت خود فرانخواندند. اگر ایشان را به پرستش [ظاهری] خود دعوت می‌کردند قطعاً نمی‌پذیرفتند، بلکه حرامی را برای آنان حلال کردند و حلالی را حرام و بدین ترتیب، از سر جهل، علما و راهبان خود را عبادت و بندگی کردند.» (میزان‌الحکمه، ص ۳۴۲۱)

□ امام صادق (ع): عبادت به سجود و رکوع نیست، بلکه به اطاعت و فرمان بردن از رجال است، هر که فرمان آفریده‌ای را که خلاف فرمان آفریدگار است اطاعت کند بی‌گمان او را عبادت کرده است. (میزان‌الحکمه، ص ۳۴۲۰)

برای سائل و محروم» [سوره معارج، ۲۴]. بنابراین، حق معلوم و معین، که حقی جز زکات [مرسوم] است، چیزی است که هرکس باید وظیفه خود بداند که از مالش پرداخت کند و به اندازه توان و وسعت مالی که دارد آن مقدار را بر خود واجب شمارد و بسته به میل خود هر روز یا هر جمعه یا هر ماه بپردازد. (میزان‌الحکمه، ص ۲۱۹۱)

□ زکات به منظور آزمودن توانگران و کمک به مستمندان وضع شده است. اگر مردم زکات اموال خود را می‌پرداختند، هیچ مسلمانی نیازمند نمی‌ماند و به سبب آنچه خداوند عزوجلّ برای او واجب کرده است بی‌نیاز می‌شد. مردم، فقیر و نیازمند و گرسنه و برهنه نشدند مگر به سبب گناهان ثروتمندان. (میزان‌الحکمه، ص ۲۱۸۵)

□ مردی از یاران امام صادق (ع) شنیده بود که امام (ع) نخلستانی در نزدیکی مدینه دارد که در مورد محصول آن به شیوه‌ی خاصی رفتار می‌کند و از امام (ع) در این مورد سؤال کرد. امام (ع) فرمود: «هنگامی که خرماها می‌رسند، من دستور می‌دهم که بخشی از دیوارهای نخلستان را خراب کنند و بردارند، تا مردم بتوانند وارد شوند و از خرماها بخورند. و می‌گویم ده سکو بسازند، که روی هر یک ده نفر بتوانند بنشینند [و با آسودگی خرما بخورند]، و هر ده نفری که خوردند و رفتند ده نفر دیگر بیایند، و برای هر نفر یک وعده رطب بگذارند. و می‌گویم برای همه همسایگان آنجا - از پیرمرد و پیرزن و بچه و بیمار و زن و هر کس که نمی‌تواند بیاید و خرما بخورد - برای هر کدام به اندازه یک وعده خرما ببرند.

و چون زمان جمع‌آوری محصول تمام شد، به همه‌ی کارگران و وکیلان خود و اشخاصی که کمک کرده‌اند مزد کاملی می‌دهم. باقیمانده‌ی خرماها را به مدینه می‌آورم، و در مدینه نیز، برای خانواده‌ها و مستحقان، دو بار خرما و سه بار خرما و کمتر و بیشتر، می‌فرستم، هر کس به اندازه نیاز و استحقاقش. در نتیجه، برای

خودم [و خرج خانواده‌ام در سال]، چهارصد دینار می‌ماند، با اینکه اصل درآمد نخلستان چهار هزار دینار است.» (الحیة، ج ۶، ص ۲۵)

□ از نشانه‌های دین دوستی مرد، دوست داشتن برادرانش است. (میزان‌الحکمه، ص ۹۶۹)

□ آیا دین جز دوستی و محبت است؟ خدای عزّ و جلّ می‌فرماید: «[ای پیامبر] بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد.» [سوره آل‌عمران، ۳۱] (میزان‌الحکمه، ص ۹۴۵)

□ نیکوکاران چون با هم روبه‌رو شوند، هر چند به زبان اظهار محبت و دوستی با هم نکنند دل‌هایشان به سرعت در آمیختن باران با آب رودخانه‌ها به هم انس گیرد، و بدکاران هر گاه با هم روبه‌رو شوند، هر چند به زبان اظهار محبت و دوستی با هم کنند، دل‌هایشان از انس و الفت با یکدیگر دور است، همانند چهارپایان که از مهرورزی با هم به دورند گرچه روزگاری دراز از یک آخور علوفه خورند. (میزان‌الحکمه، ص ۱۷۱)

□ هر که نعمت خدا به او زیاد شود، بار زحمت و هزینه‌ی مردم بر دوش او سنگین‌تر شود. بنابراین، با به دوش کشیدن بار زحمت و هزینه‌ی مردم، نعمت [خود] را پایدار سازید و آن را در معرض زوال قرار ندهید؛ زیرا به ندرت پیش می‌آید که نعمتی از کسی زوال آید و دوباره به او برگردد. (میزان‌الحکمه، ص ۶۳۶۳)

□ [در سفارش به عبدالله بن جندب فرمود:] ای پسر جندب! خدای عزّوجلّ در یکی از وحی‌های خود فرمود: من نماز را از کسی می‌پذیرم که در برابر بزرگی من افتادگی کند و به خاطر من از خواهش‌های نفس خویشتنداری ورزد و روز خود را با یاد من بگذراند و بر آفریدگان من بزرگی نفروشد و گرسنه را سیر کند و برهنه را

□ علی بن ابی حمزه می‌گوید: دوستی داشتم که از منشیان دستگاه بنی‌امیه بود؛ از من خواست تا برای رسیدن به خدمت امام صادق (ع) برای او اجازه بگیرم. اجازه گرفتم و آمد و گفت: «در نزد من مال فراوانی بدون دقت در راه کسب آن جمع شده است، حکم این مال چیست؟» امام فرمود: «اگر بنی‌امیه کسانی نمی‌یافتند که برایشان نویسندگی [و کارهای دفتری و اداری] کنند، و درآمدها را گرد آورند، و در نبرد به سود آنان بجنگند، و در جماعت ایشان حضور پیدا کنند حق ما را غصب نمی‌کردند. اگر مردم ایشان را با آنچه داشتند رها می‌کردند، چیزی بیش از آن نمی‌یافتند [و به این مال و قدرت و شوکت نمی‌رسیدند].»

پس آن جوان گفت: «فدایت شوم! آیا من راه نجاتی دارم؟» فرمود: «اگر بگویم، انجام می‌دهی؟» گفت: «انجام می‌دهم.» فرمود: «همه‌ی اموالی را که در دیوان ایشان به دست آورده‌ای کنار گذار، [از صاحبان آن اموال] هر کس را که می‌شناسی، مالش را به او پس بده، و هر کس را نمی‌شناسی، مال او را در راه خدا بده؛ من در نزد خدای بزرگ بهشت را برای تو تضمین می‌کنم.» آن جوان مدتی دراز سر فرو افکند و سپس گفت: «فدایت گردم، چنین کنم.» (الحیة، ج ۳، ص ۳۵۷)

□ هر که نزد توانگری رود و از سر چشمداشت به آنچه او دارد در برابرش کرنش کند، دو سوم دینش از بین برود. (میزان‌الحکمه، ص ۶۸۵۳)

□ امام صادق (ع): وای بر قومی که با امر به معروف و نهی از منکر به دین خدا عمل نمی‌کنند ... هر کس بگوید «لا اله الا الله» داخل ملکوت آسمان (بهشت) نمی‌شود، مگر آنکه گفته‌ی خود را با عمل صالح تکمیل کند. و کسی که [می‌پندارد] با فرمانبرداری از ظالم خدا را اطاعت می‌کند دین ندارد. [سپس فرمود:] «همگان را افزون‌طلبی به غفلت افکند، تا کارشان به گورستان رسید.» [اشاره به سوره تکوین، آیات ۲-۱] (الحیة، ج ۳، ص ۳۵۴)

و آن را در راهی که خداوند بدان فرمانشان داده است به مصرف رسانند باز از آنان نمی‌پذیرد؛ [خداوند از ایشان نخواهد پذیرفت] مگر اینکه از راه حلال به دست آورند و در راه حلال انفاق کنند. (میزان‌الحکمه، ص ۶۴۵۳)

□ امام صادق (ع) هزار دینار به شخصی به نام «مُصادف» داد و از او خواست تا با آن پول برای وی تجارت کند. مصادف کالایی برای فروش تهیه کرد و همراه تاجران به طرف مصر راه افتاد. چون به مصر نزدیک شدند، به کاروانی که از مصر بیرون آمده بود برخورد کردند. از اهل کاروان درباره‌ی وضع کالایی که با خود داشتند پرسیدند. معلوم شد که آن کالا در مصر کمیاب است، از این رو با یکدیگر قرار گذاشتند که کالای خود را با سودی کمتر از دینار به دینار بفروشند.

چون مصادف به مدینه بازگشت، نزد امام صادق (ع) آمد در حالی که دو کیسه با خود داشت، در هر کیسه هزار دینار. گفت: «فدایت شوم! این کیسه سرمایه است، و آن دیگری سود.» امام (ع) فرمود: «این سود زیادی است، با کالا چه کردی؟» مصادف جریان را شرح داد که چه کردند و چه قرار می‌گذاشتند. امام صادق (ع) فرمود: «سبحان الله! به زیان مردمی مسلمان با یکدیگر قرار می‌گذرید که از هر یک دینار، یک دینار سود برید؟» آنگاه یکی از دو کیسه را برداشت و گفت: «این سرمایه‌ی من، و ما را نیازی به این سود نیست؛ سپس فرمود: «ای مصادف! نبرد کردن با شمشیر، آسان‌تر است از کسب حلال.» (الحیة، ج ۵، ص ۵۶۵)

□ شخصی به امام صادق (ع) گفت: «من از کسی طلبی دارم و او می‌خواهد خانه‌اش را برای پرداخت بدهی خود به فروش برساند.» امام (ع) فرمود: «خدا تو را حفظ کند! مبادا او را از خانه و سرپناهِش بیرون کنی.» (الحیة، ج ۶، ص ۲۳۵)

□ یکی از انواع مال حرام درآمدی است که از راه کار کردن برای والیان ستمگر به دست می‌آید. (میزان‌الحکمه، ص ۲۴۰۹)

بپوشاند و بر گرفتار و مصیبت‌زده رحم آورد و غریب را پناه دهد. (میزان‌الحکمه، ص ۶۵۱۷)

□ جوان بخشنده‌ی آلوده به گناهان نزد خدای عزوجلّ از پیرمرد عابد بخیل دوست‌داشتنی‌تر است. (میزان‌الحکمه، ص ۲۴۳۱)

□ نادانِ بخشنده برتر از عبادت‌پیشه‌ی بخیل است. (میزان‌الحکمه، ص ۲۴۳۱)

□ معلون است، ملعون است، کسی که خداوند مالی به او ببخشد و او از آن مال صدقه‌ای ندهد. (میزان‌الحکمه، ص ۶۴۳۹)

□ آیا تصوّر می‌کنی که اگر خداوند به کسانی مالی داده است، بدین علت بوده که احترامی نزد او داشته‌اند، و اگر به کسانی مال نداده است، از آن روست که در نظرش قدر و منزلتی نداشته‌اند؟ نه! بلکه مال، مال خداست؛ و آن را در نزد برخی به امانت می‌گذارد، و بر آنان روا می‌دارد که از این مال با میانه‌روی بخورند و بیاشامند و بپوشند و ازدواج کنند و از وسیله‌ی سواری بهره‌مند شوند، و آنچه می‌ماند را به فقرا و مؤمنان بدهند، و نابسامانی زندگی آنان را به سامان آورند. پس هر کس چنین کند، آنچه می‌خورد و می‌آشامد و سوار می‌شود و ازدواج می‌کند، بر وی حلال است، و آنچه از این اندازه بگذرد بر وی حرام است.

[سپس امام این آیه را خواند:] «اسراف مکنید که خدا اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد» [سوره انعام، ۱۴۱] [و فرمود:] آیا خیال می‌کنید که خدا مردی را بر مالی که به او عطا کرده است امین می‌داند، که برای خود اسبی به ده هزار درهم بخرد، با اینکه اسب بیست درهمی برای او بس است، [...] و در عین حال بگوید که: «اسراف مکنید که خدا اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد؟! (میزان‌الحکمه، ص ۵۷۴۳)

□ هر بنایی که بیش از نیاز باشد، روز قیامت، وبال و بار سنگین صاحبش خواهد بود. (توسعه‌ی اقتصادی بر پایه‌ی قرآن و حدیث، ج ۱، ص ۴۰۴)

□ جز آن نیست که خداوند این ثروت‌های افزون [بر نیاز] را به شما عطا فرموده تا آن را هرگونه خدا خواهد، صرف کنید، نه آن‌که آن را انباشته نمایید. (توسعه‌ی اقتصادی بر پایه‌ی قرآن و حدیث، ج ۲، ص ۸۸۰)

□ هیچ بنده‌ای نیست که از خرج کردن یک درهم در راهی که حق آن است دریغ ورزد مگر این که دو درهم به ناحق [و در راه باطل] خرج کند. (میزان‌الحکمه، ص ۶۴۵)

□ مسلمان برادر مسلمان است و حق مسلمان بر برادرش این است که اگر برادرش گرسنه باشد سیر نخورد و اگر برادرش تشنه باشد سیراب نشود و هرگاه برادرش جامه ندارد، جامه [زیادی] نپوشد، پس حق مسلمان بر برادر مسلمان حق بزرگی است! (الحیة، ج ۵، ص ۱۴۱)

□ هر کس از اصحاب ما که یکی از برادرانش از او برای نیازی طلب یاری کند و او با تمام توان به این یاری‌دادن برنخیزد، به خدا و رسول و مؤمنان خیانت کرده‌است. [راوی گوید: پرسیدم: «مقصودتان از مؤمنان چه کسانی‌اند؟» فرمود:] از زمان امیرالمؤمنین تا آخر ایشان. (الحیة، ج ۴، ص ۴۶۶)

□ خداوند هیچ مردمی را عذاب نمی‌کند، مگر آنگاه که حقوق برادران تهیدست و محروم خود را درست ادا نکنند. (الحیة، ج ۹، ص ۵۸۳)

□ هر چیزی، زکاتی دارد و زکات دانش، آموختن آن است به اهلش. (میزان‌الحکمه، ص ۳۹۵۵)

□ [...] و اما عالمی که در طبقه سوم دوزخ قرار دارد، کسی است که در تعلیم دانش ثروتمندان را شایسته‌تر می‌داند و فقرا و تهیدستان را از دانش محروم می‌سازد [...]. (آثارالصادقین، ج ۱۳، ص ۵۸۲)

□ [از امام صادق (ع) درباره‌ی آیه «هر کس کسی را زنده بدارد، چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است» (سوره مائده، ۳۲) سؤال شد، فرمود:] یعنی او را از سوختن یا غرق شدن نجات دهد. [حضرت کمی سکوت کرد، سپس فرمود:] مصداق بزرگتر آن، این است که کسی را [به راهی راست] دعوت کند و او دعوتش را بپذیرد. (میزان‌الحکمه، ص ۶۶۳۱)

□ [به یکی از یارانش فرمود:] سلام ما را به دوستان‌انمان برسان و باخبرشان کن که در برابر خداوند از ما کاری برای آن‌ها ساخته نیست، مگر اینکه عمل کنند، و هرگز به ولایت ما دست نیابند مگر با عمل و پارسایی، و پرحسرت‌ترین مردم در روز قیامت کسی است که عدالتی را وصف کند و خود برخلاف آن رفتار نماید. (میزان‌الحکمه، ص ۴۰۰۵)

□ [به مردی که از ایشان سفارشی خواست فرمود:] بار و بنهات را آماده ساز و توشه‌ات را پیشاپیش بفرست و خود وصی خودت باش. به دیگری نگو که آن‌چه را به کار تو می‌آید [بعداً] برایت بفرستد. (میزان‌الحکمه، ص ۶۸۴۳)

□ هر يك از شما که می‌خواهد دعایش مستجاب شود درآمد خود را پاك کند و حق مردم را بپردازد. دعای هیچ بنده‌ای که مال حرامی در شکمش باشد یا مظلّمه‌ی کسی به گردنش باشد، به درگاه خدا بالا نمی‌رود. (میزان‌الحکمه، ص ۱۶۵۹)

□ اگر مردم از راهی که خداوند به آنان فرمان داده است کسب درآمد کنند اما در راهی که خداوند از آن بازشان داشته است خرج کنند، خدا آن را از ایشان نمی‌پذیرد؛ و اگر از راهی که ایشان را از آن نهی کرده است درآمدی به دست آورند